



۲۰۲۱/۰۱/۰۳

حامد نوید / تاریخ، بخش: آبدات تاریخی

## معرفی «معبد نوبهار بلخ» در قاموس کبیر افغانستان

قاموس کبیر افغانستان در کنار ارائه بسی مطالب مهم اجتماعی و معلومات در باره آثار و ابنیه تاریخی، به معرفی آبدات تاریخی نیز می پردازد. از آن جمله به شناختانیدن معابد، قلعه ها، منار ها، پل ها، مساجد و محلات تاریخی و غیره. در این سلسله در ذیل به شناسائی معبد نوبهار بلخ پرداخته میشود.

بنا بر مطالعات و شواهد تاریخی معبد نوبهار بلخ یکی از بزرگترین نیایشگاه های کهن در شمال افغانستان و حتی منطقه بوده و در مورد آن پرسشهای زیادی موجود است. عده ای آنرا عبادتگاهی مربوط به آئین زردشتی خوانده اند و گروهی این نیایشگاه بزرگ را بنا بر اسناد دست داشته یک معبد بودایی دانسته اند. نظر به یادداشتهای هوانتسانگ واقعه نگار و زائر چینی در مورد معبد نوا و بهاره Nava Vihara یا نوبهار، دو برادر بلخی بنامهای ته پوسو و بلیهکا از نخستین حواریون بودا بودند که وی هشت هفته بعد از رسیدن به روشنایی و دریافت حقیقت، هشت تار موی خود را به آنان هدیه داد. این دو برادر بلخی که در نیم قاره هند بغرض تجارت رفت و آمد داشتند، پس از حلف وفاداری به بودا هشت تار موی او را به بلخ آوردند و بلیهکا برادر بزرگتر ستوپه ای را برای بزرگداشت او در بلخ بنا نمود. این واقعه بنا بر اسناد آئین بودایی (متن کهن سروستی وادا Sarvastivada) باید درحوالی سال ۵۳۷ پیش از میلاد رخ داده باشد که با گفته هوانتسانگ مطابقت دارد و این نیایشگاه همانا معبد نو بهار بلخ است. با اتکا به یاد داشتهای تاریخی و یافته های باستان شناسان بلخ کهن نخستین گهواره و پرورشگاه سبک هنر بودایی هلنستیک در منطقه بوده است. چنین گمان میرود که استوپه نخستین در جریان لشکر کشیهای اسکندر مقدونی در قرن چهارم پیش از میلاد صدمات شدیدی دیده، ولی در عصر کوشانی مرمت دوباره شده. به اساس اسناد زائران چینی، بخصوص هوانتسانگ که در قرن هفتم میلادی به افغانستان سفر نمود، نوبهار بلخ هنوز آباد و معبدی پر از نقش و نگار و اصنام بود و بیش از ۳۵۰ اتاق و حجره برای رهائش و آموزش راهبان داشت. فراز این معبد رفیع پرچمهای بلندی افراشته بودند که زائران را از دور دستها بخود معطوف میکرد. این سخن را یاقوت حموی مؤرخ معروف ادوار اسلامی نویسنده «معجم البلدان» نیز تائید نموده و گفته است که بیرقهای سبزرنگ نوبهار بلخ حتی از ترمز نیز مشهود بود.

نوا و بهارا متشکل از دو کلمه، «نوا» به معنی نو و «وبهار» به معنی ورودگاه، جایگاه و خانه اصنام است. کلمه «وبهار» در زبان سانسکریت و همچنان متون اوستایی ذکر یافته و اصطلاحیست باستانی، ولی در عصر کوشانی بیشتر به معنای عبادتگاه و صومعه استعمال میگرددیده است. اصطلاح نو بهار در ادبیات دری نیز تجلی گسترده داشته و شاعران بزرگ متقدم مانند عنصری، فرخی و ارزق هروی شاعر دوره سلجوقیان در وصف آن ابیاتی دارند، این معبد درب ورودی بزرگی بنام نوشاد داشت که از شکوهمندی خاصی برخوردار بود. چنانچه فرخی شاعر دربار غزنه در وصف این جایگاه چنین گفته است:

مرحبا ای بلخ بامی همره باد بهار

از در نوشاد رفتی یا زباغ نوبهار

ای خوشا آن نوبهار خرم نوشاد بلخ

خاصه اکنون کز در بلخ اندرون آمد بهار

عده ای از زبانشناسان عقیده دارند از آنجاییکه کلمه و بهارا به معنی ورودگاه یا درب ورودی در زبان اوستایی کهن قدامت بیشتر از عصر بودایی دارد و چون فصل بهار باب نخستین یا ورودگاه یک سال خورشیدیست، این امکان وجود دارد که واژه بهار در زبان فارسی دری از کلمه و بهار در زبان باختری باستان ریشه یافته باشد. زیرا سرودهای گاتها The Gathas یعنی کهنترین بخش اوستا بحواله زبان شناسان قرابتی با رازی با سروده های ریگویدا دارد. اکثر تاریخنگاران بدین امر متفق القول اند که عقاید اوستایی نخست از بحدی در حوالی (۱۰۰۰ تا ۷۰۰ ق.م.) نشأت نموده و سپس به سرزمینهای دیگر پخش گردیده است. رابرت بیکس Robert Beekes پروفیسور زبانشناسی یونیورستی لایدن هالند که تحقیقات گسترده ای در مورد سرودهای گاتها نموده خاستگاه زبان اوستایی را بلخ کهن میدانند. همچنین پروفیسور هلموت همبک Helmut Humbach استاد زبانشناسی در یونیورستی گوتمبرگ آلمان زبان هندوآریایی باختری را زبان نخستین اوستا خوانده که در طی سده ها بسوی غرب رفته است. ازینرو در تیسفون تفسیری بر سرودهای گاتها نوشته شد که آنرا زند و پازند خوانند. از آنجاییکه درک معانی سرودهای گاتها بزبان باختری باستان پس از گذشت سده ها به آسانی میسر نبود، زند اوستا بگونه تفسیری برسرودهای گاتها نگاشته شد. برخی از زبانشناسان اصطلاح پازند را تفسیری بر زند میخوانند، چنانچه ناصر خسرو قبادیانی بلخی گوید:

ای خوانده کتاب زند و پازند زین خواندن زند تا کی و چند؟

دل پر ز فضول و زند بر لب زردشت چنین نیش در زند؟

به اساس تحقیق باستانشناسان سرودهای گاتها بزبان باختری کهن در هنگام زندگی «زراتشتر اسپیتما» در زیراسپه یعنی بلخ نگارش یافته و این سروده ها از بحدی (بلخ) و سغدیان تا اراکوزیا (کندهار) و درنگیانه (زرنج) مروج و از آریا (هرات) تا به خوارزم در ترکمنستان امروزی و سپس به فارس گسترش یافت. نظر به مندرجات پشت اوستا زیری ویری Zairi-Vairi برادر

گشتاسپ که در شاهنامه بنام زریبر آمده و پشتوانو (Pəšōtanū) برادر اسپاندا تان Spanda-datan (اسفندیار) در گسترش آئین اوستایی در سرزمین های جنوب باختر کوشا شدند. عده ای از تاریخنگاران به این باورند که افکار و عنایات مشابهی از کوه هره برزه تی بخدی تا دامنه های کوه سپین غر از دوره اوستایی موجود بوده که باعث جمع آوری گنجینه های زرین آکسوس و میرز که گردیده است. بنا بر مندرجات کتاب اوستا (پشت فروردین)، در آریانا و یجه یا سززمین مقدس اوستا که آهورا آنرا از گزند اهریمن ایمن گردانیده سه اصل هومنه (پندارنیک)، هوخته (گفتارنیک) و هو ورشنه (کردارنیک) معیارهای پذیرفته شده اجتماعی بود و باید برای بزرگداشت آن با افروختن آتش مقدس نیایشگاه های برا افراشته میشد. بنا بر این تفسیر، ممکن است نیایشگاه نوبهار در نخست یک معبد زردشتی بوده و سپس به گمان اغلب در عهد کوشانی ها به معبد بودایی مبدل گردیده است. زیرا در هنگام فرمانروایی گشتاسپ شاه بلخ و بازماندگانش معابد و آتشکده های زیادی بنا یافت. پیروان زردشت برای رسیدن به آهورا مزدا بنا های را بنام آتشکده ها ایجاد میکردند و بنا بر رسوم آن عصر افروختن آتش با مراسم خاصی برپا میشد که هرکدام نامی داشت. مانند آتش وراهام یا بهرام برای جنگجویان و آتش برزین مهر (برای کشاورزان) که گشتاسپ آنرا برافروخت و از قفقاز به آتشکده روشن به کابلستان آورد. آتشکده نوشاک بامیک بلخ بامی (به گمان اغلب آتشکده نوبهار) را اسپانداتان تم یا (اسفندیار تهمتن) پسر جاماسپ و نواده دختری زردشت بنا کرد. برادر ویشتاسپ زیر ویری درپخش کیش اوستایی کوشید، پسرش Bastai-wiri باستای ویری با اعمار شهر بست این آئین را در وادی هلمند و سیستان گسترش داد که هنوز این جایگاه تاریخی بنام قلعه بست یاد میگردد. بهمین گونه هومن سپنداتان پسر سپنداتان اول با همسرش همای که مادر داراب کابلی بود از جمله فرمانروایانی اند که نظر به مندرجات اوستایی درپخش این آئین کوشیده اند.

بنا برآن برخی از تاریخنگاران معتقد اند که معبد بودایی نوبهار درجایگاهی بنا یافت که در عهد برمکی شاهان بلخ نیایشگاه زردشتیان بوده و این بنا ی کهن بعدها به معبد بودایی نوبهار مبدل گشته است، چنانچه دقیقی گوید:

چو گشتاسپ را داد لهراسپ تخت  
فرود آمد از تخت و بر بست رخت  
ببلخ گزین شد بران نوبهار  
که یزدان پرستان بدان روزگار  
مر آن جای را داشتندی چنان  
که مر مکه را تازیان این زمان

در تاریخ لشکر کشی های امویان در شمال افغانستان ذکر یافته که معبد نوبهار توسط قیس بن هیثم سلمی سرلشکر قوای اموی در تخارستان و بلخ ویران گردید، اما از قراین چنین بر می آید که این ویرانی قسمی بوده و این جایگاه باستانی بطور کامل از بین نرفته بوده، ورنه شاعران دوره سامانی و غزنوی در وصف آن شعری نمی سرودند. از جانب دیگر در تاریخ طبری اثر محمد بن جریر طبری آمده که المنصور خلیفه عباسی فضل برمکی پسر یحیی برمکی را والی خراسان ساخت و فضل در قسمتی از باغ بزرگ نوبهار مسجدی اعمار کرد. این واقعه باید در حوالی ۷۹۴ میلادی اتفاق افتاده باشد.

برمکیان ازدودمانهای قدیمی بلخ، اولاده برمک و از متولیان و اولیای معبد بودایی نوبهار بودند. خالد بن برمک در اواخر قرن دوم هجری به دین اسلام رو آورد و بخاطر دانش و فضلش که داشت خود و اولاده اش به مقامهای ارشدی در دربار خلفای عباسی رسیدند. یحیی فرزند خالد برمکی و پسران او جعفر بن یحیی، فضل بن یحیی، موسی بن یحیی و محمد بن یحیی نسبت کاراندی و درایتی که در پیشبرد امور فرهنگی و اداری داشتند به مقام های بزرگی در زمان خلافت هارون الرشید رسیدند. در اثر کوشش این خانواده ادب پرور کتاب های علمی زیادی از سراسر خلافت وسیع عباسیان و همچنان از منابع هندی و یونانی بزبان عربی ترجمه شد که بر ثقافت و رشد فرهنگی جهان اسلام افزود و شهر بغداد را رونق بیشتر علمی بخشید. لیکن هارون الرشید از محبوبیت و اقتدار روز افزون برمکیان بلخ در هراس بود و دنبال بهانه ای میگشت تا این خانواده مقتدر غیر عرب یا عجمی را از سر راه خود بردارد. هر چند عباسه خواهر هارون الرشید که سخت دلباخته جعفر برمکی بود در عقد نکاح جعفر در آمد، اما از نگاه خلیفه باید این ازدواج تنها یک ازدواج شکلی میبود. ازینرو وقتی دانست الفتی میان عباسه و جعفر برخلاف شرط این ازدواج پیدا شده امر به گردن زدن جعفر داد و سپس تمام اعضای خانواده برمکیان را از دم تیغ کشید و دار و ندار شانرا به آتش زد. داستان عروج برمکیان و قتل عام آنها به امر هارون الرشید یکی از تراژدی های تاریخ است که شرح بیشتر آن مربوط این بحث نمیگردد.

با آنکه برای تعیین موقعیت دقیق معبد نوبهار در میان دشتهای پر از ویرانه های باستانی بلخ هنوز تحقیقاتی بصورت دقیق انجام نیافته، اما چندین جا بگونه احتمالی از طرف باستان شناسان ولایت بلخ شناسایی گردیده است. در رابطه با تعیین موقعیت معبد نوبهار، اهالی بلخ و برخی از مردمان صاحب نظر این ولایت باستانی معتقد اند که ویرانه کنار شاهراه عمومی از بقایای معبد نوبهار است.

هرچند کاوشهای باستان شناسی درین تپه خاکی بصورت علمی آغاز نیافته، اما از خشتکاری دهانه رواقها پیداست که این ساختمان ویران شده باید بنای کهنی باشد.

در سال ۱۸۸۶ جوهان مارتین هونیکبرگر Honigberger محقق برتانیوی به همراهی چارلس بیت Charles Yate افسر انگلیس از ویرانه های بلخ، چشمه صفا در دامنه های کوه البرز در جنوب بلخ و تخت رستم در ولایت سمنگان سکچ هائی برای

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

تعیین موقعیت معبد نوبهار برداشتند، ولی به نتیجه نهایی نرسیدند. دلیلی که هونیگر، محقق برتانیوی از چندین محل برای تعیین موقعیت «ناوا ویهارا» نقشه های برداشت بنا بر یادداشتهای هونتسانگ واقعه نگار چینی بود. زیرا وی از چند « ناوا ویهارا» در سفر نامه خود یاد آور شده، یکی در شمال غرب بلخ بر فراز استوپه ای با ارتفاع ۲۰۰ متر و صومعه ای با باغ زیبا که در آنجا مردمان شیفته دانش و راهبان برای فراگیری تعالیم آئین بودایی شعبه مهاییانا و علوم عقلی از جمله طبابت، ریاضیات و علم نجوم مصروف تحصیل بودند. درین نیایشگاه پیکره بزرگ بودا قرار داشت که با جواهرات و احجار قیمتی تزیین یافته بود و در کنارش مجسمه محافظ معبد قرار داشت. هونتسانگ همچنان از ویهارای دیگری در نواحی جنوب غرب بلخ یاد آور شده که در آنجا تنها راهبان بسیار دانشمند در تفسیر قوانین آیین بودایی و علوم عقلی آموزش می یافتند. در تخت رستم بنا بر اسناد کیش بودایی، قوانین تراویدا ( قوانین سنتی) به اساس مذهب هینایانا تدریس میگردید که مقررات سختگیرانه داشت و ازینرو پیکره های بودا و مقدسین در آن دیده نشود. هونتسانگ همچنان از معبد بسیار باستانی دیگری در داخل محوطه شهر بلخ صحبت میکند که توسط شاهی در ازمنه باستان اعمار گردیده است. شاید این نیایشگاه بودایی همان ناوا ویهار یا نوبهاری باشد که بر فراز آتشکده کهن عصر اوستایی در عهد اقتدار کوشانی بنا یافته است. به اساس یادداشت واقعه نگار دیگر چینیایی بژینگ Yijing که در سال ۶۸۰ میلادی از بلخ دیدن نمود، هنوز معبد نوبهار پا برجا بود و خاندان برمکی بلخ متصدیان با نفوذ معبد نوبهار بودند. چنانچه شاهان چین و فرمانرویان هند وقتی به نیایشگاه «ناوا ویهارا» می آمدند به دودمان منتقد برمکی حرمت زیادی بجا می آوردند.

در عهد خلافت حضرت عثمان (رض) و متعاقب آن حضرت علی (رض) پیروان مذاهب دیگر که در برابر دین اسلام به مبارزه بر نمی خاستند مجاز بودند تا مراسم مذهبی خود را ادا نمایند و معابدشان به اساس قوانین شرع بجا بماند. اما با رویکار آمدن خلفای اموی قوانین سختگیرانه تری در برابر پیروان مذاهب دیگر وضع شد و همان بود که معبد نوبهار قسماً ویران گردید. این عمل نیزک ترخان Naizak Tarkhan یکی از شهزادگان دودمان کابل شاهان را بخشم آورد و در طی حمله ای بلخ را از اقتدار امویان بدر آورد. لیکن قطیبه در جنگ مهلکی بلخ را دوباره تسخیر کرد و اینبار خسارات بیشتری به ابنیه باستانی بلخ از جمله نوبهار وارد شد. عده ای از راهبان بودایی به ختن فرار کردند و عده از راه کوهستانها خود را به کابل رساندند و سپس به کشمیر پناهنده شدند، ولی بزرگان خاندان برمکی با درایتی که داشتند با قطیبه کنار آمدند و موجودیت خود را تا دوره عباسیان در بلخ حفظ کردند تا اینکه خالد برمکی به اسلام رو آورد و تداوم آئین بودایی در بلخ به پایان رسید.

ابن فقیه مؤلف البلدان بزبان عربی در شرح ساختمان معبد نوبهار نگاه داشته که این نیایشگاه بنای بزرگیست بشکل مکعب که روی آنرا با روپوشی از پارچه های گرانبها پوشانیده اند. چنانچه از مطالعه آثار تاریخی ادوار اسلامی مانند یادداشتهای البیرونی بر می آید نیایشگاه نوبهار بلخ تا عصر سلطنت غزنویان و غوریان، یعنی سده های یازدهم و دوازدهم میلادی، با وصف ویرانی های قسمی دوره خلافت امویان هنوز پا برجا بوده است، ولی در آغاز قرن سیزدهم هنگامیکه چنگیز در سال ۱۲۲۲ میلادی به تعقیب جلال الدین خوارزمشاه وارد بلخ گردید، معبد نوبهار مانند صدها ابنیه تاریخی دیگر بلخ با خاک یکسان شد. گویند چنگیز به دنبال گنجینه های گمشده اش که جلال الدین خوارزمشاه و دخترش حنا خاتون با خود از خوارزم به خراسان آورده بودند، دیوانه وار معبد نوبهار را منهدم نمود تا در زیر زمینی های آن گنجینه گمشده اش را بیابد. تموجین چنگیز از صحرای گوبی واقع در مغلستان بسوی بلاد اسلامی لشکر گشود، اما قبل از لشکر کشی هیاتی را با هدایای فراوان به شهر اورگنج به دربار محمد خوارزمشاه فرستاد و از او خواستار دوستی و برقراری روابط تجاری با کشور های اسلامی گردید. لیکن محمد خوارزمشاه که مردم بادیه نشین صحرای گوبی را به دیده تحقیر میدید این خواسته چنگیز را با شدت رد کرد. سفیر چنگیز اهانت او را نپذیرفت و از سلطان خوارزم طالب پوزش گردید. محمد خوارزمشاه به غیظ آمد و امر نمود تا تمام اعضای هیأت اعزامی چنگیز را نخست در حمامی شکنجه دهند و سپس سر بزنند. بقول نسی دوبری تاریخنگار مشهور امریکایی که تا دم مرگ در راه حفظ میراث های فرهنگی افغانستان سعی ورزید، تنها پسر ۱۲ ساله ای از حادثه جان سالم بدر برد و خبر آن واقعه تکان دهنده و خونین را به چنگیز رساند. همان بود که چنگیز سوگند یاد کرد که انتقام سختی از محمد خوارزمشاه خواهد گرفت و در نتیجه بلاد اسلامی را از کاشغر و ختن تا بغداد گشود. جزئیات حمله چنگیز بر ماوراء النهر، خراسان، عراق عجم و فارس خارج از حوصله این بحث است، اما آنچه مطالعه آبدات تاریخی افغانستان را دلچسپ میسازد، شرح حوادثی میباشد که در مورد هر بنای تاریخی مانند معبد نوبهار وجود دارد و این امر بیانگر غنای فرهنگی این سرزمین باستانیست. زیرا درین رابطه هر سرگذشتی از قرنهای بدینسو چون افسانه خاطره انگیزی در ذهن جامعه بجا مانده است.

مختصری از منابع این بررسی:

تاریخ مختصر افغانستان پوهاند عبدالحی حبیبی سال نشر ۱۹۸۴،

تاریخ افغانستان، استاد احمد علی کهزاد، تاریخ افغانستان جلد دوم،

تاریخ آریانا از آغاز سلطنت مستقل یونان باختری تا ظهور اسلام سال ۱۳۲۵ خورشیدی.

Nancy H. Dupree An Historical Guide to Afghanistan, printed in Kabul 1977

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

Historical Sketch of Buddhism and Islam in Afghanistan by Alexander Berzin, November 2001, revised December 2006

Dr. Helmut Humbach , The Heritage of Zarathustra, A new translation of his Gathas

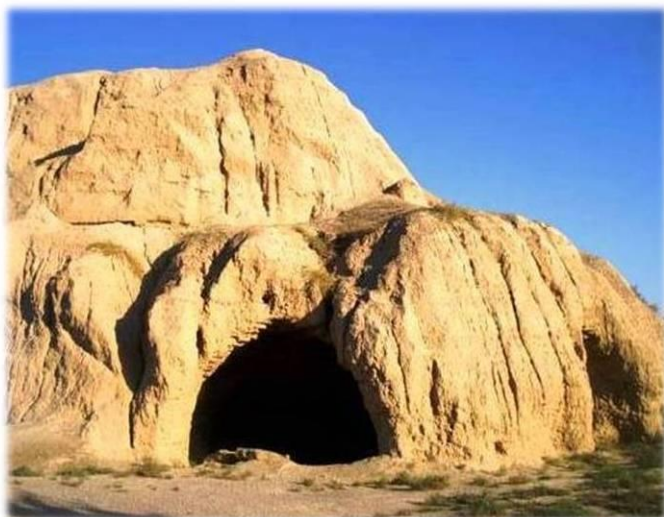
Published January 10th 1994 by Universidad Sverlag Winter

Beekes Robert, A Grammar of Gatha-Avestan, Leiden: Brill, (1988)

Civilization of the Eastern Irānians in Ancient Times: With an Introduction on the Avesta Religion, Volume 1 (Google eBook), Wilhelm Geiger 1885, translated from German to English by Darab Dastur Peshotan Sanjana (pg. Iv.-Ivi.)



نمایی از بقایای احتمالی معبد نوبهار بلخ



نمایی دیگری از بقایای احتمالی معبد نوبهار بلخ ، عکاسی مؤلف سال ۲۰۱۱

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

# قاموس کبير افغانستان

نوع محتوا	معلومات مكملة	معرفي	اسم يا كلمه
آيدات تاريخي	معبد نوبهار بلخ	<p>نا بر مطالعات و شواهد تاريخي معبد نوبهار بلخ يكي از بزرگترين نيايشگاه هاي كهن در شمال افغانستان و حتى منطقه بوده و در مورد آن پرسش هاي زيادي موجود است. عده اي آنرا عبادتگاهي مربوط به آئين زردشتي خوانده اند و گروهي اين نيايشگاه بزرگ را بنا بر اسناد دست داشته يك معبد بودايي دانسته اند.</p> <p>نظر به يادداشتهاي هونتسنگ و الفه نكار و زائر چيني در مورد معبد نوا و نهاره يا نوبهار ، دو برادر بلخي بنامهاي ته بوسو و بلهكا از نخستين حواريون بودا بودند كه وي هشت هفته بعد از رسيدن به روشني و دريافت حقيقت، هشت تار موي خود را به آنان هديه داد. ايندو برادر بلخي كه در نيم فازه هند بغيرض تجار ت رفت و آمد داشتند، پس از حلف وفاداري به بودا هشت تارموي او را به بلخ آوردند و بلهيك ا برادر بزرگتر ستويه اي را براي بزرگداشت او در بلخ بنا نمود.</p> <p>بايد در حوالي سال ۵۳۷ ميلاد رخ داده باشد كه با گفته (Sarvastivada من سرستي ودا) اين واقعه بنا بر اسناد آئين بودايي هونتسنگ مطابقت دارد و اين نيايشگاه همانا معبد نو بهار بلخ است. با انكا به ياد داشتهاي تاريخي و بافته هاي باستان شناسان بلخ كهن نخستين گهواره و پرورشگاه سيك هنر بودايي هنسنيك در منطقه بوده است.</p>	معبد نوبهار

د پانو شميره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) يادونه: دليكنيزي بني پازوالي د ليكوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولئ